

طبقه‌بندی موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران

مخدیره رجبی کیا، فاطمه محسنی گردکوهی*، فاطمه حیدری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۲۲۹-۲۰۱

<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7952>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

پیشینه و هدف: ادبیات منظوم و منثور عامه ایران آینه‌یی از باورها، آیینها و تجربه‌های جمعی مردم است که در طی نسلها به‌صورت شفاهی انتقال یافته است. با وجود گستردگی این آثار، تاکنون طبقه‌بندی جامع و منسجمی برای آنها ارائه نشده است. هدف پژوهش حاضر، تدوین چارچوبی موضوعی برای طبقه‌بندی ادبیات عامه ایران و روشن ساختن تنوع و کارکردهای اجتماعی-فرهنگی آن است.

روش تحقیق: در این پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌یی و میدانی انجام گرفته، ادبیات منظوم عامه ایران بر مبنای مناسبات موضوعی و محتوایی طبقه‌بندی شده است.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد که آثار ادبیات عامه را می‌توان در یازده گروه اصلی دسته‌بندی کرد که عبارتند از: "نیایش و ستایش، ادبیات اصناف و کارآواها، ادب حکمی و تمثیلی، ادب آیینی، سوگسرودها، سروسردها، عاشقانه‌ها، آثار حماسی و پهلوانی، طنز و تَهْکُم، آثار توصیفی و آثار تعلیمی. این نظام پیشنهادی، ساماندهی و طبقه‌بندی نمونه‌های رنگارنگ ادبیات عامه ایران را فارغ از تنوع چشمگیر زبانی و گویشی، تفاوت‌های اجرایی و ساختاری، تعلقات فرهنگی و تاریخی و قومی و نژادی و منطقه‌یی و دیگر ویژگیهای محدود کننده آنها، در چهارچوبی واحد اما جامع و فراگیر ممکن می‌سازد و هر اثر را ذیل سرفصل ویژه خود می‌گنجاند.

نتیجه‌گیری: شیوه طبقه‌بندی موضوعی نه تنها شناسایی، گردآوری، سازماندهی و بررسی آثار را تسهیل میکند، بلکه چگونگی ارتباط آنها با زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی پیدایششان را نیز آشکار می‌سازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر بخش از این آثار، در پاسخ به نیازهای جامعه در شرایط خاص بوجود آمده و مطالعه آنها میتواند در بازشناسی جامعه، اصناف و طبقات اجتماعی ایران و تحلیل عناصر فرهنگی، ذوق هنری و میراث معرفتی مردم ما نقش بسزایی داشته باشد.

تاریخ دریافت: ۰۴ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۰۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۵ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

ادبیات عامه، طبقه‌بندی موضوعی، بومی‌سرود

* نویسنده مسئول:

✉ 0321513843@iaui.ir

☎ ۳۴۴۱۸۱۴۳ (۲۶ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Thematic Classification of Iranian Folk Verse Literature

M. Rajabikia, F. Mohseni Gardkahi*, F. Heidari

Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 May 2025

Reviewed: 26 June 2025

Revised: 11 July 2025

Accepted: 27 August 2025

KEYWORDS

Folk Literature, Thematic Classification, Oral Poetry and Prose

*Corresponding Author

✉ 0321513843@iau.ir

☎ (+98 26) 34418143

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Iranian folk literature—both poetry and prose—preserves the collective beliefs, rituals, and lived experiences of people, transmitted orally across generations. Despite its richness, this vast body of work has rarely been organized into a systematic thematic framework. The aim of this study is to present a comprehensive classification of Iranian folk literature, offering both an analytical approach and a tool for researchers to better understand its variety, functions, and cultural significance.

METHODOLOGY: This research is based on a theoretical and library study, applying descriptive and analytical methods to examine, compare, and classify folk texts according to their subject matter and content.

FINDINGS: The study proposes a new taxonomy of Iranian folk literature that groups the works into key categories: folk tales and narratives, oral prose and storytelling, folk poetry, humorous and satirical works, ritual and ceremonial texts, and didactic literature. Despite the diversity of forms and regional variations, the results show that these works can be meaningfully organized within a unified system. Such classification highlights thematic connections across genres and regions, and reveals shared cultural patterns.

CONCLUSION: The thematic classification of Iranian folk literature not only facilitates the identification and study of these works, but also connects them to the historical, social, and cultural conditions of their creation. Each category reflects specific aspects of Iranian society, its social classes, cultural structures, and collective identity. This approach contributes to a deeper understanding of the cultural heritage of Iran and the role of folk literature in shaping its social and symbolic order.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7952>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 32	 1	 0

مقدمه

امروزه، با توجه به تنوع و تکثر قومی و زبانی و فرهنگی جهان، بسیاری از ملت‌ها میکوشند تا به هر نحو ممکن، استقلال و هویت خاص خویش را به دیگران باز نمایند و عناصر ممتاز فرهنگ و ادب و مدنیت خود را به منظور تداوم آنچه روح جمعی می‌خوانند، اشاعه دهند. ثبت و انتشار خرده فرهنگ‌ها و پاره فرهنگ‌ها، مجموعه‌سازی‌ها، تأسیس موزه‌های ملی و محلی، گردآوری و بازآفرینی سنت‌ها و آداب و رسوم، تجمیع و طبقه‌بندی و باز نشر ادبیات شفاهی و... از جمله کوشش‌هایی محسوب می‌شوند که در گستره جهان امروز، با هدف رسیدن به تمایز هویتی، استقلال فرهنگی و اثرگذاری بر ملت‌ها و فرهنگ‌های دیگر صورت می‌بندد. بر پایه این رویکرد جهانی، ما ایرانی‌ها نیز به تجمیع و طبقه‌بندی علمی و باز نشر اثرگذار میراث فرهنگی و مدنی گرانبار خود، بویژه در حوزه فرهنگ و ادبیات شفاهی نیازمندیم. ایران سرزمین کهنسالی است که همواره به لحاظ تفکر و فرهنگ و تمدن در عالم انسانی پیش‌تاز و پیشرو بوده است. آثار به جای مانده از گذشته‌های دور، مبین اصالت و قوت شگفت‌انگیز فکر و فرهنگ ایرانی است. به تعبیر رومن گیرشمن باستان‌شناس نام‌آور فرانسوی: «اقوام قدیم که به اوج قدرت رسیدند بسیارند، اما از غالب آنان جز خاطره‌یی _ آنهم گاه مبهم _ که بیل و کلنگ باستان‌شناسان میکوشد آن را احیا کند چه باقی مانده است؟ فقط ایران است که بی‌اعتنا به قرن‌ها و هزاره‌ها، مانند صخره‌یی پا برجاست.» (گیرشمن، ۱۳۷۰: ص ۱۷)،

از آنجا که موضوع این پژوهش طبقه‌بندی ادبیات عامه ایران است، سؤال اصلی این است که با وجود تنوع جغرافیایی، تکثر قومی و زبانی، و تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی فراوان موجود در آثار مربوط به ادبیات منظوم عامه ایران، چه روشی ما را به الگویی جامع و دقیق برای طبقه‌بندی تمامی اطلاعات گردآوری شده در این زمینه میرساند؟ با توجه به عمق تاریخی، پراکندگی جغرافیایی و غنای فکری و محتوایی ادبیات عامه ایران، تجمیع و طبقه‌بندی نظام‌مند مجموعه عناصر و اطلاعات مربوط به این زمینه، ضرورتی اهمال‌ناپذیر است که علاوه بر فواید و نتایج ذاتی آن، تسهیل تحقیقات و مطالعات علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، توسعه‌ای، بینارشته‌یی و... را برای اهالی امروز و فردای کشور نیز به دنبال خواهد داشت. نظام‌های اعتقادی، مناسک و آیین‌ها، ابزار و امکانات، شیوه‌های معیشتی، نظام‌های تولید و بهره‌برداری، معماری و مسکن، روحیات زیبایی‌شناسی، نظام‌های خویشاوندی، الگوهای مرسوم کار جمعی و یاریگری‌های اجتماعی، ادبیات و هنر، بازیها و سرگرمی‌ها، خوراک و پوشاک و بسیاری دیگر از عناصر فرهنگی که در کنار یکدیگر شمایی دقیق از ملت ما را ترسیم می‌کنند، آنگاه قابل درک و تفکیکند که بر اساس اصولی مشخص و روش و رویکردی فراگیر و تعمیم‌پذیر طبقه‌بندی شده باشد. پژوهش پیش‌رو، از جهت نظری بر " رویکرد محتوایی و تفکیک موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران " استوار است. با توجه به رنگارنگی اقلیمی و جغرافیایی خاستگاه آثار، تنوع زبان و گویشی روایت‌ها و تکثر قومی و فرهنگی عناصر مربوط به ادب منظوم عامه در ایران کنونی، روش طبقه‌بندی موضوعی و دسته‌بندی محتوایی، به عنوان تنها شیوه جامع و فراگیر سنجش آثار، مبنا و مقسم تفکیک سرفصل‌های ثبت شده در این پژوهش قرار گرفته است. در این مقاله، از مجموع آثار مورد مطالعه در اصل پژوهش اصلی (رساله)، تعداد ۵۸ قطعه شعر و ترانه با موضوعات متفاوت برای تبیین اجمالی سرفصل‌های کلی طبقه‌بندی حاضر، ارایه شده است. در خصوص پیشینه پژوهشی موجود در این زمینه، با نگاهی گذرا به سابقه و کارنامه مطالعات و تحقیقات مرتبط با فرهنگ و ادبیات عامه در دوران معاصر، باید به موارد زیر اشارتی داشته باشیم: ملک‌الشعرا بهار به سال (۱۳۰۶ ش) در «طوفان» نشریه انقلابی فرخی یزدی، از دانشوران و ادبای کشور خواست که دست بکار شده و ترانه‌های فولکلور ادبیات ایران را قبل از اینکه برای همیشه از حافظه غیرمکتوب صاحبان و راویانشان محو شود، گردآوری و ثبت کنند. از آن زمان تا امروز، اگرچه همچنان مطالعات و

تحقیقات روشمند و آکادمیک بویژه در زمینه طبقه‌بندی آثار ادبی عامه بسیار کم بوده است، کوششهای زیادی در عرصه گردآوری انواع مختلف "بومی‌سرودها" انجام گرفته و مجموعه‌های قابل استفاده‌یی از آثار مربوط به گوشه و کنار کشور تدوین و نشر شده‌است. کتابهایی مثل "هفتصد ترانه" گردآورده کوهی کرمانی و "ترانه‌های کار در آذربایجان" یا نواحی دیگر از این جمله‌اند. در این زمینه، کتابها و مجموعه‌هایی چون "گذری و نظری در فرهنگ مردم" انجوی شیرازی، "ترانه‌هایی از جنوب" صادق همایونی، "شیراز در ترانه‌های محلی" ابوالقاسم فقیری، "کهنه‌های همیشه نو" مجموعه‌یی از مرتضی احمدی، "اوسانه" گردآوری برخی ترانه‌های عامیانه اثر صادق هدایت، "نغمه‌های بی‌قراری" پروانه رویین اهلی و آثار دیگری از محمد قهرمان، محمد مکر، پناهی سمنانی، سید احمد و کیلیان، سهیلا شهبهانی، محمد جعفری قنوتی، حسن ذوالفقاری، سید علی میرنیا، محمود کتیرایی و... در دسترس قرار دارند.

با اینهمه، به رغم مطالعات و تحقیقات انجام شده چند دهه اخیر در زمینه فرهنگ و ادب عامه ایران، باید اقرار کرد که هنوز با پژوهشهای روشمند، دقیق و کارآمد در نسبت با گردآوری، تحلیل و طبقه‌بندی ادبیات منظوم و غیرمنظوم عامه سرزمینمان بسیار فاصله داریم و به شیوه‌یی علمی، فراگیر و قابل تعمیم در این زمینه‌ها بویژه طبقه‌بندی آثار نرسیده‌ایم. غرض از نگارش این سطور و غایت و نهایت این پژوهش، آغاز سفری برای رسیدن به این هدف ارجمند است.

روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات

چنانکه در مقدمه گفته شد، پژوهش حاضر از جهت نظری بر "رویکرد محتوایی و تفکیک موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران" استوار است. با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی خاستگاه آثار، تنوع زبانی روایتها و تکرر قومی و فرهنگی عناصر مربوط به ادب منظوم عامه در ایران کنونی، روش طبقه‌بندی موضوعی و دسته‌بندی محتوایی، به عنوان تنها شیوه جامع و فراگیر سنجش آثار، مبنای تفکیک سرفصلهای ثبت شده در این پژوهش قرار گرفته است. مراحل مطالعه و بررسی آثار در این شیوه طبقه‌بندی به قرار زیر انجام میپذیرد:

- ابتدا همه منابع مرتبط با موضوعات مختلف، مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مورد نیاز، استخراج و فیش‌برداری میشود. پس از گردآوری مطالب مورد نیاز، داده‌های مشابه و به لحاظ محتوایی همسان، تفکیک و تجمیع شده و مورد تحلیل و ارزیابی دقیق قرار میگیرد تا با تحدید حدود موضوعی، آثار مربوط به هر سرفصل، ذیل عنوان خاص خود گنجانده شود.

- شرح و بیان و تجزیه و تحلیل داده‌ها و چیدمان نهایی آنها نیز به تناسب خویشاوندی معنایی و محتوایی موجود میان آثار هموند و هم‌خانواده و نیز نسبتی که با چهارچوب نظری این رساله برقرار میکنند، انجام میگیرد؛ تا در نهایت الگویی کلی و جامع برای طبقه‌بندی آثار منظوم ادبیات عامه مناطق مختلف کشورمان (فارغ از تأثیر و دخالت عواملی چون زبان و گویش و جغرافیا یا تاریخ و فرهنگ و قومیت و ...) در دست داشته باشیم.

- موضوعاتی که بیشترین بسامد آماری را از جهت آثار ثبت‌شده در این پژوهش به خود اختصاص داده‌اند، عبارتند از:

۱- ادبیات ستایش و نیایش : الف - حمد (ستایش خداوند) - ب : ترانه‌های نیایشی و دعایی - پ : نعت - ت :

مدح

۲- ادبیات کار و اصناف : الف: ادبیات منظوم اصناف و گروههای شغلی ب: کارآواها

- ۳- سرسروده‌ها : الف: ادبیات سور مذهبی ب: ادبیات سور باستانی، ملی و حکومتی پ: ادبیات سور محلی و منطقه‌یی ت: ادبیات سور فردی و خانوادگی ث: ادبیات سور نمایشی و آیینی
- ۴- سوگسروده‌ها: الف: سوگسروده ملی و حکومتی ب: سوگسروده مذهبی و آیینی پ: سوگسروده محلی و منطقه‌یی ت: سوگسروده شخصی و خانوادگی
- ۵- ادبیات توصیفی: الف: وصف عناصر طبیعی ب: وصف حالات و موقعیتهای انسان‌ها - ترانه‌های غربت یا غریبیها، ادبیات زندان (حبسیه)،- پ: وصف حیوانات اهلی، اشیا و...
- ۶- ادبیات عاشقانه : الف: عاشقانه‌های ملی ب: عاشقانه‌های مذهبی پ: عاشقانه‌های محلی و منطقه‌یی
- ۷- ادبیات پهلوانی: الف: ملی و میهنی ب: محلی و منطقه‌یی پ: زورخانه‌یی
- ۸- ادبیات تَهْکَم و طنّازی: الف: طنز ب: هجو پ: هزل ت: لطیفه‌ها
- ۹- ادبیات تعلیمی: الف: آوسنّه (افسانه) منظوم ب: مَثَل‌های منظوم پ: نصایب، آموزش واژگان، اخلاق و دعا ت: لالاییها

۱۰- ادبیات حکمی و تمثیلی: الف: مَثَل‌های منظوم ب: حکمت پ: چپستان (واگوشک)

۱۱- ادبیات آیینی: الف: فالها، دعا، جادو ب: بازیهای منظوم،

پ: انواع سفره‌ها، سمنوپزان ت: مناسک گذر ث: سرگرمیها

-در جمع‌آوری اطلاعات و نمونه‌ها از منابع گوناگون کتابخانه‌یی (اسنادی) تخصصی، پژوهشی، نقدها، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان، وبسایت‌های تخصصی ادبیات عامه و موسیقی و ترانه، فصلنامه‌ها و مقالات معتبر و پایان‌نامه‌های مرتبط استفاده شده است. همچنین برای تکمیل شواهد و موضوعات، در حد امکان، از شیوه‌های مختلف پژوهش میدانی و گفتگو با راویان بومی و محلی ادبیات عامه در مناطق مختلف کشور (بویژه راویان مازندرانی) بهره گرفته شده است. روش و متد مورد استفاده در این پژوهش، به جهت ویژگیهای خاصی مانند اشتغال ادواری و تاریخی، فراگیری منطقه‌یی و جغرافیایی، محدود نبودن به زبان و گویش خاص، در برگرفتن تمامی آثار این عرصه با هر موضوع و محتوی و عدم انحصار به قومیت یا فرهنگی مشخص، پژوهشگران ادبیات عامه بویژه گردآورندگان و تحلیلگران بومی‌سرودها را از دسته‌بندیهای بیحساب و کتاب و نامگذاریهای موردی و مصداقی نامحدود برای بومی‌سرودها بی‌نیاز کرده، از تکثر و تشتت بیوجه و بی‌مبنای عناوین نامتناسب و غیر علمی پیشگیری مینماید.

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهشی در این زمینه ابتدا نگاهی گذرا به سابقه و کارنامه مطالعات و تحقیقات مرتبط با فرهنگ و ادبیات عامه در دوران معاصر می‌اندازیم و سپس پیشینه پژوهشهای آکادمیک مربوط به موضوع را در رسالات و مقالات دانشگاهی بررسی میکنیم:

الف - نگاهی گذرا به پیشینه چاپ و انتشار "بومی‌سرودها"

استاد ملک‌الشعراى بهار به سال (۱۳۰۶، ش)، در «طوفان» نشریه انقلابی فرخی یزدی، از دانشوران و ادبای وقت خواست که دست بکار شده و ترانه‌های فولکلور ادبیات ایران را قبل از اینکه برای همیشه از حافظه غیرمکتوب صاحبان و راویانشان محو شود، گردآوری و ثبت کنند. اکنون و با گذشت حدود یکصد سال از طرح این پیشنهاد، باید گفت با وجود همه تلاشهایی که در نسبت با ثبت و ضبط ادبیات عامه بویژه گونه منظوم آن یعنی

"بومیسرودها" صورت گرفته، همچنان کمبود پژوهشهای روشمند و آثار محققانه و علمی و راهگشا در این زمینه آشکارا احساس میشود. اگرچه در طول سده گذشته، صدها کتاب و هزاران مطلب و مقاله با موضوع گردآوری ترانههای ملی و محلی ایران تهیه و منتشر شده است (که البته اغلب آنها نه کل گستره ایران که ترانههای مناطق و نواحی خاصی از آن را دربرمیگیرد)، اما به طور مشخص در موضوع «طبقه‌بندی ادبیات منظوم ایران» پژوهش مستقلی صورت نگرفته و اثر قابل اعتنا و درخور ارجاعی تدوین و منتشر نشده است. البته کوششهای زیادی در زمینه گردآوری انواع مختلف "بومیسرودها" انجام گرفته و مجموعه‌های قابل استفاده‌ای از آثار مربوط به گوشه و کنار کشور تدوین و نشر شده است؛ کتابهایی مثل "هفتصد ترانه" گردآورده کوهی کرمانی و "ترانه‌های کار در آذربایجان" یا نواحی دیگر از این جمله‌اند. در این زمینه، کتابها و مجموعه‌هایی چون "گذری و نظری در فرهنگ مردم" انجوی شیرازی، "نغمه‌های بیقراری" پروانه رویین اهلی، "ترانه‌هایی از جنوب" صادق همایونی، "شیراز در ترانه‌های محلی" ابوالقاسم فقیری، "کهنه‌های همیشه نو" مجموعه‌ای از ترانه‌های قدیمی تخت حوضی اثر مرتضی احمدی، "اوسانه" گردآوری برخی ترانه‌های عامیانه اثر صادق هدایت و آثار دیگری از محمد قهرمان، محمد مکرری، صدرالدین عینی، ابراهیم شکورزاده، روشن رحمانی از تاجیکستان، پناهی سمنانی، سید احمد وکیلان، سهیلا شهشهانی، جعفری قنواتی، حسن ذوالفقاری، سید علی میرنیا، محمود کتیرایی و... در دسترس قراردارند.

از این گذشته، برخی مجلات تخصصی مانند "فرهنگ مردم" و "مجله مردم‌شناسی" و نیز مجموعه‌ها و شبه فرهنگ‌هایی چون "کتاب کوچه احمد شاملو" نیز در خلال معرفی مواد و عناصر فرهنگ و ادبیات عامه و انتشار امثال و حکم، تمثیلهای اذکار و... به نشر شماری از بومیسرودها و ترانه‌ها یا باورهای عامیانه‌ای که از ترانه‌ها مشتق شده‌اند، پرداخته‌اند. اما در میان آثار مورد اشاره، جای پژوهشهای روشمند بویژه در زمینه تبویب و طبقه‌بندی جامع ادبیات منظوم عامه خالی است و برغم زحماتی که این پژوهشگران ارجمند کشیده‌اند، اغلب یا از اساس به دسته‌بندی آثار توجهی معطوف نداشته‌اند و یا به نامگذاریهای کلی و اجمالی فی‌المثل "بخش ترانه‌ها" و گنجاندن سیر تا پیاز بومیسرودها در ذیل آن اکتفا کرده‌اند.

ب - پیشینه موضوع در پژوهشهای آکادمیک

ناگفته آشکار است که در بین رسالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز به اعتبار جستجو در سامانه‌های ثبت این رسالات، در موضوع مورد نظر ما (طبقه‌بندی موضوعی بومی‌سرودها) رساله مستقلی ثبت نشده است. با این حال، سرفصل کلی "فرهنگ و ادبیات عامه" و جلوه‌های رنگارنگ آن در گنجینه پر بار ادب فارسی، همواره مورد توجه دانشجویان و پژوهشگران دانشگاهی ما بوده و هست. از اینرو تعجبی ندارد اگر در لایه لای مقالات و پایان‌نامه‌ها، به عناوین پژوهشی مرتبط با کلیت موضوع فرهنگ و ادبیات عامه ایران بسیار برخورد میکنیم. چنانکه در این پژوهش گفته شد، ادبیات عامه یکی از ارکان اصلی فرهنگ و هویت هر ملت است که به عنوان میراثی معنوی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود. این بخش از میراث ادبی ملتها، بازتابی از اندیشه، ذوق، معرفت، مدنیت و خلق و خوی آنهاست که میتوان آن را آینه‌یی شفاف از زندگی اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی آنان در طول ادوار مختلف تاریخی دانست. ادبیات عامه سرزمین ما نیز با در برگرفتن عناصر درخشانی همچون افسانه‌ها، ضرب‌المثلهای، متله‌ها، منظومه‌ها، تصنیفها، ترانه‌ها، لالیپها، روایتها، داستانها و... علاوه بر بازتاب دادن نیازهای فرهنگی و اخلاقی و عاطفی اصناف و طبقات مختلف جامعه رنگارنگ ایران، آبخور اصلی و اساسی بسیاری از آثار ادبی کلاسیک و

معاصر ما بشمار می‌آید. از اینرو، شناخت درست، ثبت و ضبط دقیق و طبقه‌بندی علمی و روشمند نمونه‌های پرشمار و متفاوت این گنجینه ادبی، نه تنها گامی بلند و ضروری در مسیر حفظ میراث نیاکان محسوب می‌شود، بلکه با تجمع این مرواریدهای بی‌همتا و انتقال آن به نسل امروز، هم زمینه لازم را برای خویشتن‌شناسی و درک بهتر مردم ما از فرهنگ، مدنیت، زبان و ادبیات ملی و منطقه‌ای خود فراهم می‌آورد و هم موجب بازشناسی و ترویج عناصر زنده و ارزشمند فرهنگ و مدنیت و ادبیات ما در سطح ملی و بین‌المللی خواهد شد. چراکه ادبیات عامه مناطق مختلف ایران بزرگ، بعنوان میراثی کهن اما پویا و پرتحرک، با وجود تنوع و تکثر غیرقابل انکار زبانی و بیانی آن، نقش مهمی در حفظ هویت یگانه عنصر ایرانی و انتقال ارزشهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی ملت ما از نسلی به نسل دیگر داشته دارد. عمر به نسبت کوتاه مطالعات و تحقیقات مردم‌شناسی و نیز تکثر ذاتی رویکردهای محتوایی و تنوع چشمگیر زبانی و ساختاری موجود در ادبیات منظوم عامه ایران، همواره بررسی و طبقه‌بندی روشمند و راهگشای این آثار را با مشکل روبرو کرده است. شاید به همین سبب، تا کنون کوشش و پژوهش قابل ملاحظه‌ای در این زمینه انجام نگرفته و کار تدوین دقیق و منسجم فرهنگ مردم و طبقه‌بندی جامع و نظام‌مند ادبیات عامه ایران ناکرده مانده است. به همین قیاس، فقدان یک چارچوب علمی مشخص برای تفکیک و طبقه‌بندی عناصر ادبیات منظوم و غیرمنظوم عامه در مناطق فرهنگی و زبانی متمایز کشور، حتی دیگر پژوهشهای تحلیلی-تطبیقی فرهنگی و توسعه‌ی مرتبط با میراث ادبی عامه را با چالشهای جدی روبرو ساخته است. از اینرو، پژوهش حاضر با هدف طبقه‌بندی موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران، تلاش دارد با رویکرد علمی و تحلیلی، به شناسایی و تفکیک دقیق محورهای اصلی و زیرشاخه‌های محتوایی این بخش از گنجینه میراث ادبی عامه ایران بپردازد.

ضرورت تحقیق

- ضبط و ثبت و تجمع و طبقه‌بندی و مجموعه عناصر و اطلاعات مربوط به فرهنگ و ادبیات عامه ایران (با عنایت به معنی عام و فراگیر اما تخصصی آن) به جهت تسهیل تحقیقات و مطالعات علمی، فرهنگی، اجتماعی، توسعه‌ی، بینارشته‌ی و... برای اهالی امروز و فردای کشور یک ضرورت غیر قابل چشم‌پوشی است.
- فراهم آوردن مقدمات و زمینه‌های لازم برای تدوین و طبقه‌بندی بومیسرودها یا ادبیات منظوم عامه ایران، رکن و جزئی اساسی از این ضرورت بشمار می‌آید.
- درک و دریافت چگونگی تحول و تطور نظام فرهنگی و مدنی ایران و ترسیم روندهای دقیق و درست رشد و دگرگونی آن، به تفکیک و طبقه‌بندی اطلاعات مندرج در بومیسرودها، نیازمند است.
- بهره گرفتن از معارف و اطلاعات مندرج در فرهنگ شفاهی به فهم درست میراث مکتوب ملی بویژه ادبیات رسمی کمک شایان توجهی خواهد کرد.

بحث و بررسی

این پژوهش بر آن است که بر پایه بررسی و تحلیل محتوایی نمونه‌هایی از اشعار و بومیسرودهای مناطق گوناگون ایران، با استفاده از روشی شامل و فراگیر به تفکیک و دسته‌بندی موضوعی این بخش از میراث ادبی ارزشمندمان، ذیل عناوینی همچون ادب ستایش و نیایش، ادب تعلیمی، ادب حکمی، ادب عاشقی، ادبیات اصناف و کارآواها، سوسروده‌ها و سوگسرودها، ادب حماسی و پهلوانی، ادب طنز و تهاکم، آیینها و بازیهای منظوم، و دیگر مضامین

بنیادین در ادبیات منظوم عامه کشورمان بپردازد. امید است که این رهاورد تازه، گامی مؤثر در جهت شناخت بهتر ادبیات منظوم عامه ایران و جایگاه فرهنگی آن در جامعه متکثر و رنگارنگمان شمرده شود. "شناخت آگاهیه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی از اساسی‌ترین نیازهای بنیادی در امر برنامه‌ریزی فرهنگی و پیگیری تحولات آن در آینده است، ولی علیرغم اهمیتی که این امر دارد، تا کنون در ایران به گونه منسجم و مستمر کمتر مورد توجه سازمانهای پژوهشی قرار گرفته است. برای اینکه بتوانیم در دنیای کنونی بر اساس یک برنامه‌ریزی نسبتاً دقیق و هماهنگ، جامعه را در حد توان بسوی ارزشهای اجتماعی متعالی و مبتنی بر فرآیند توسعه پایدار سوق دهیم و از رهاسازی ابعاد مختلف آن در حوادث نه هموار و مساعد و دلخواه جلوگیری کنیم، راهی جز رسیدن به این شناخت نداریم." (محسنی، ۱۳۷۷)

بومیسرودهای عامه که از دل تجربه‌های زیسته نسلها برآمده است، در قالبهایی چون دوبیتی، لالایی، ترانه، کارآواها، سوگسرودها و مته‌ها و... تجلی یافته و از دیرباز در حافظه جمعی مردم ایران حضور داشته‌است. در نسخه تفصیلی این پژوهش، گونه‌های اصلی و اساسی آثار گردآوری شده از مجموعه عظیم "ادبیات منظوم عامه ایران" ابتدا بر پایه موضوع و محتوای هر یک از آنها تفکیک شده و سپس تحت عناوین جداگانه و قابل تفکیک، طبقه‌بندی میشود. سپس هریک از عناوین اصلی و فرعی درحد ضرورت، به مدد یک یا چند مثال گویا و روشن شناخته و متمایز میگردد.

در این مقاله، به جهت رعایت اختصار، تنها به بیان سرفصلهای کلی و اصلی طبقه‌بندی ادبیات منظوم عامه ایران بر مبنای موضوع آثار به همراه یک نمونه از اشعار، بسنده کرده، در خاتمه نقل تفصیلی یکی از سرفصلهای موضوعی را همراه با جزئیات آن به عنوان نمونه آورده‌ایم.

.....

سرفصلهای یازده‌گانه این روش از طبقه‌بندی به قرار زیر تنظیم شده است:

۱- ادب ستایش و نیایش

الف: حمد (ستایش خداوند)

اول از حمد خدا آیه بسم‌الله است
دوم از نام محمد که رسول‌الله است
بسم‌الله مادر قرآن است
رحمان و رحیم صحبت یزدان است

(جعفری قنواتی، ۱۴۰۳)

ب: ترانه‌های نیایشی، دعا‌های موزون ماه رمضان، سحرخوانی، دعای باران خواهی، باد خواهی و...، دعای دفع چشم زخم، اذکار و ادعیه دراویش و اهل خانقاه، اشعار و ادعیه آیین زار و پریخوانی و حقانی
دعای اسپند دود کردن برای دفع چشم‌زخم

اسفند و اسفندونه / اسفند سی و سه دونه / از خویش و قوم و بیگونه / هرکه از دروازه بیرون برود
هرکه از دروازه تو بیاید / کور شود چشم حسود و بخیل / شب‌به‌زا / یکشنبه‌زا / دوشنبه‌زا / سه... جمعه‌زا
کی کاشت؟ پیغمبر / کی چید؟ فاطمه / برای کی دود کردند؟ / برای امام حسن و امام حسین
اسفند و سپند / پیغمبر ما کرد پسند / علی کاشت، فاطمه چید / بهر حسین و حسن
شنبه‌زا، یکشنبه‌زا... جمعه‌زا / زیر زمین، روی زمین / چشم سیاه، ازرق چشم، زاغ چشم، میش چشم
هرکه دیده و ندیده / همسایه دست چپ، همسایه دست راست
پیش‌رو، پشت‌سر / بترکد چشم حسود و حسد.
(هدایت، ۱۳۷۸)

پ : نعت (ستایش پیامبر و ائمه و اولیا)

سرکوه بلند فریاد کردم امیرالمؤمنین را یاد کردم

عجب بوی خوشی می‌ده زیارت امیرالمؤمنین شاه ولایت (میرنیا ، ۱۳۷۸)

ت : مدح(ستایش غیر معصوم مانند پادشاهان، امیران، سرآمدان علمی و ادبی و هنری، بزرگان ملی و منطقه‌یی، پهلوانان، قهرمانان، شهدای جنگ و ...)

ترانهٔ مازندرانی برای شهید جنگ

بهار اینه دل تنگ ته وستی بهار می‌آید دل من برای تو تنگ میشود

همه جا خاک بیرنگ ته وستی همه جا خاک به خاطر تو بیرنگ است

ته پوتین نال سرگب زنده می‌جه پوتین تو روی سکو با من حرف می‌زند

خیال من اول جنگ ته وستی به گمانم برای تو تازه اول جنگ است (راوی حلیمه امیری)

۲- ادب اصناف و کارآوا

الف : کارآوا (ترانهٔ کار)

ترانه‌های مربوط به مراحل مختلف انجام کارها، مانند کاشت و برداشت گندم و برنج و... (اعم از بذریاشی، نشاء، وجین، شبیایی، درو، خرمنکوبی و...) کارآواهای مربوط به نحوهٔ انجام کار نمدمالي، صید، قالی‌بافی، خیاطی، نجاری و ترانه‌های همیاری در همهٔ کارها بویژه کشاورزی از این دسته اند ...

ترانهٔ نمدمالان

نمد، مال سرکاره / جانم جانم جان الله / هه هه هه هه هه

قند و چایی در کاره / جانم جانم جان الله / هه هه هه هه هه

استعلی اکبر بیماره / جانم جانم جان الله / هه هه هه هه هه

کمونشم دوتاره / جانم جانم جان الله / هه هه هه هه هه

شبچره هم درکاره / جانم جانم جان الله / هه هه هه هه هه .. (راوی، سید جلال سلطانی)

ب : ترانه‌های اصناف ،فتوت نامه(مرامنامهٔ صنفی اصناف سنتی جامعه)، ترانه‌های صنفی ملاحان، ساربانان، قالیبافان، حمّالان، چوپانان، دهقانان، عیاران و جوانمردان، بیلگردانان، سربازان، معدنچیان، حکیمان و طبیبان ، آشپزها و... از این دسته‌اند.

ترانه در معرفی اصناف

برادران برایتان حقایقی بیان کنم حقایقی بیان من از خصال مردمان کنم

فغان بیحساب از عموم کاسبان کنم حواستو به من بده تا باطنو عیان کنم

گناهشو نمیشورم بهتون بهش نمیزنم اما شماها بدونین مومنه نه این که با صداقت

اینایی که من برات می‌گم حقیقته حقیقته

آمشدی بقالو بگو که باد سامش بیره سیب زمینی کمتر بکن داخل روغن و کره

زهیزم و ذغال او آب می‌چکه از بس تره زرده نداره تخم مرغ هر کی خریده منتره

وقتی براش پس بیاری وقاحتو نگاه کن بُراق میشه و بهت می‌گه همینی که بردی حقته

اینایی که من برات می‌گم حقیقته حقیقته

قهوه‌چی محلهمون که آفروشی کارشه
چاییه جوشیده میده سه حبه قند کنارشه
یه دونه چایی یک قرون به قیمت عتیقته
میخوای بخور میخوای نخور بیچک و چونه یقته
اگر ابوالفضل بذاره خدا تا این جا یارشه
میگه به نرخ شهرداری همینقدر اعتبارشه
اینایی که من برات میگم حقیقته حقیقته... (احمدی، ۱۳۸۰)

۳- ادبیات سور (سورس‌روده‌ها)

الف: ملی: عید نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، جشنهای سده، تیرگان، مهرگان، حکومتی: تاجگذاری و ولادت شاه، جشنهای سیاسی و اجتماعی مانند ۲۲ بهمن و دهه فجر
نوروزخوانی مازندرانی

باد بهارون بیمو / گل به گلستون بیمو / مژده هادین دوستون / نوروز سلطون بیمو
اول گیمبه بسم‌الله / بسم‌الله نوم خدا / ابراهیم خلیل‌الله / پساته خانه خدا
باز بیمو نوبهار / فصل کشت و فصل کار / خشکه‌دار ها کرده خال / زمین هسته لاله زار / بلبل شونه سردار...
برگردان به فارسی: باد بهاران آمده / گل به گلستان آمده / مژدگانی بدهید دوستان / نوروز سلطانی آمده /
اول میگویم بسم‌الله / بسم‌الله نام خداست / ابراهیم خلیل‌الله، خانه خدا را ساخت / باز نوبهار آمده‌است / فصل کشت
و کار آمده‌است / درختان خشک جوانه زدند / زمین لاله زار شده‌است / بلبل بالای درخت میرود و آواز میخواند...
(راوی و نوروزخوان، محمدرضا اسحاقی گرجی)

ب: مذهبی: جشنهای اعیاد فطر، غدیر، قربان، ولادت پیامبر (ص) و ائمه، نیمه شعبان، عید مبعث، مولودیخوانی و...

مولودیخوانی مذهبی (عروسی حضرت فاطمه)
تمام انبیا میدونن / تمام اوصیا میدونن / خود سرور گل میدونه / خود ختم رُسل میدونه
تمام حوریا میدونن / زمین و آسمون میدونن / علی داماد احمده / علی وصی محمد
علی جانشین احمده / خدا ما رو قربونش کنه / خدا ما رو حیرونش کنه / در خلد مهمونش کنه (کتیرایی، ۱۳۴۸)

پ: محلی: تیرماه سیزده (لال لاله)
در مازندران، جشن برداشت محصول، مثل جشن انگور، خرما، جشن آبریزان، جشن چوپانان، جشن خرمن، انواع رقص، جشن کشتی محلی لوچو برگزار میشده‌است، "تیرگان (آپاشان) از جشنهای باستانی ایران است که طبق گاهنبار در روز تیر از تیرماه یعنی سیزدهم تیر. «گویند در زمان فیروز جد نوشیروان چند سال در ایران خشکسالی بوده است و شاه و مردم در این روز به دعا خواسته‌اند و باران بیامده است و مردم به شادی آب بریکدیگر پاشیده‌اند و این رسم و آن جشن بجای مانده‌است و در این روز بریکدیگر آب و گلاب پاشیدند. آن را آبریزان و آب پاشان و آب تیرگان نیز می‌گویند» (خسروانی، ۱۴۰۰)

تیرماه سیزده شو خجیره..... شب تیرماه سیزده (شب تیرگان) زیباست
دوس لبونه شربت او خجیره..... برای لبان بسته، شربت آب شیرین است
کمون بفره و چش سیو خجیره..... ابروی کمان و چشم سیاه زیباست
عیده شو با یار سینه سو خجیره..... شب عید، سینه به سینه یار زیباست (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶)

ت: مناسک گذر (فردی و خانوادگی): تولد، نام‌گذاری نوزاد، ختنه سوران، خواستگاری، عروسی، حنا‌بندان، همشیر و همخون شدن، مراسم شیخوخیت ترکمنها و...
 مناسک گذر، ترانه حنا‌بندان
 یارم حنا می‌بندد / عاشق‌نما می‌بندد / حنای اصل کاشون / به دست و پا می‌بندد
 (شکوزاده، ۱۳۶۳)

ث: ادبیات نمایشی شاد، روحوضی و سیاه بازی و... (نمایش میرزا قلم‌دون)
 دیشب زن من گفت به من میرزا قلم‌دون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 گفت فردا میشی حاکم میدون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 پس برام بخر شلیته و تنبون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 پام بکن کفشینا / تنم بکن رختینا / چشمو بکن سورمینا / ابرومو بکش و سمینا /
 گوشوارمو گوشینا / روسریمو سرینا / ماتیک به این لبینا /
 بله بله قربونت شم / نمک نمک‌دونت شم
 دیشب زن من گفت که ای مطرب دورون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 فردا تو میری خونه اعیون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 از برام بخر تنبک و مزقون / گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
 پام بکن کفشینا / تنم بکن رختینا / چشمو بکن سورمینا / ابرومو بکش و سمینا /
 گوشوارمو گوشینا / روسریمو سرینا / ماتیک به این لبینا /
 بله بله قربونت شم / نمک نمک‌دونت شم...
 (احمدی، ۱۳۸۱)

۴- ادبیات سوگ (سوگسروده‌ها)

الف: ملی و حکومتی: در سوگ رهبران و حاکمان، سوگ اساطیر ملی مانند سوگ سیاوش و اسفندیار و سهراب و... سوگ قهرمانان ملی و میهنی مثل ستارخان و باقرخان و... سوگ شهیدان نامدار دفاع مقدس مثل سوگنامه شهید جهان‌آرا و...

نوحه (ممد نبودی) در سوگ یک قهرمان نامدار دفاع مقدس- عامه معاصر
 ممد نبودی، نوحه‌یی است که به مناسبت آزادسازی خرمشهر و به یاد شهید محمد جهان‌آرا خوانده شد. شعر این قطعه را رزمندگی به نام جواد عزیزی سرود و ریشه این نوحه ملودی بوشهری مربوط به عزاداری سنتی آن منطقه است. (این نوحه به عنوان یک نمونه درخشان، استفاده هوشمندانه مردم از ذخیره و حافظه موسیقایی عامه برای تجلیل از قهرمانان خویش را بازتاب می‌دهد.)

ممد نبودی ببینی شهر آزاد گشته / خون یارانت پُر ثمر گشته / آه و واویلا کو جهان‌آرا؟ / نورِ دو چشمانِ تَرِ ما
 امیدم گشت ناامید بعد از هجر تو / یاران می‌آیند اندر پی تو
 ای نخل غلتیده به خون، اشکی از شادی / همچو من بفشان، روز آزادی!
 خیل یاران را خیز و یاریکن / دشت شادی را آبیاری کن / نخل در آتش شعله‌ور است / گرچه شد بیسر
 نوبتی دیگر / گشته بارآور / شاهد پیروزی خوشه خرما / زورق و من ماهی و دریا
 ممد نبودی ببینی گریه باران / لاله را رویاند از تربت یاران ...

گشته آبادان هرچه شد ویران / تربت یاران شده گلباران / ممد نبود بیینی شهر آزاد گشته
خون یارانت پُر ثمر گشته/آه و واویلا کو جهان آرا ؟ / نور دو چشمان ترما

(راوی ومداح ،غلامعلی کویتی‌پور)

ب: دینی و مذهبی: آثار مربوط به وفات و شهادت پیامبر و ائمه، عزاداری شهدای کربلا (تاسوعا و عاشورا)، ایام فاطمیه، شب قدر، تعزیه‌خوانی، مقتل‌خوانی و... (مرثیه برای حضرت علی اکبر)

میرسد خشک لب از شط فرات اکبر من	نوجوان اکبر من
سیلانی بکن ای چشمه چشم تر من	نوجوان اکبر من
کسوت عمر تو تا این خم فیروزه نمون	لعلی آورد به خون
گیتی از نیل عزا ساخت سیه معجز من	نوجوان اکبر من
تا ابد داغ تو ای زاده آزاده نهاد	نتوان بُرد از یاد
از ازل کاش نمیزاد مرا مادر من	نوجوان اکبر من

(شاعر، یغمای جندقی، آرنیپور، ۱۳۵۵)

پ: محلی و منطقه‌یی:

سوگسروده‌هایی برای مشاهیر و بزرگان قومی و منطقه‌یی مانند سوگنامه‌های هژبر سلطان، میرزا کوچک‌خان، رئیسعلی دلواری و...، سوگنامه‌های قهرمانان منطقه‌یی مثل ججوخان، نصروجان، شیرعلیمردان، مشتی پروری، شیخ علیخان بیرانوند، ذبیح پهلوان و...

سوگ شیخ علیخان سردار بیرانوند، که به همراه تعدادی از مبارزان دراوایل دوره پهلوی در مرکز شهر خرم‌آباد به دارآویخته شدند.

سردار کی دیه وژیچو و جنگچه کسی دیده است که سرداری در جنگ شرکت کند
ترسم بکیشی سیا بوتی لنگ.....از آن میترسم که سردار کشته شود و سپاهش بیسرپرست بمانند
ای نوم خرمو داری چو کیا سه.....وسط خرم‌آباد چوبه دار برپا شده بود
بیسیم نخت مکرد، سردار کشیایی.....بیسیم خبر کشته شدن سردار مارا دارد.
صندلی بارن سردار ایل بنیشی.....برای سردار صندلی بیاورید تا بنشیند
نقاشی بارن عکسو بکشینقاش را خبر کنید تا عکسشان را بکشد
وی جنگه نرو جنگه فره سختهشانس برگشتن از این جنگ بسیار کم است
ترسم یاخی بووم ای کو بارنم و هوارترسم از آن است که یاغی شوم، به کوه بزنم
ای دولت وزور بکشیم و دار.....مرا به زور از کوه پایین آورند و به دارم بکشند

این شعر توصیف اندوه و غم مردمیست که طی تاریخ خود، در جنگ یا نبردی عزیزی را از دست داده‌اند. مویه‌ها شرح اعدامها، فراقها، دردها، داغها و عشقها و رشادتهاست. حکایت مردمی که با اسب، تفنگ، چادر و گله و ایل مانوس بوده‌اند، غارت شده‌اند، غارت کرده‌اند، کشته شدند و کشته‌اند. به بیان دیگر اندوه جاودانه ایللیست که روزی را در اسارت، روزی را در تبعید، روزی را در عزای عزیزی و روزی را در تشویش گذرانده‌اند. (حنیف، ۱۳۸۶)

پ: فردی و خانوادگی (مرگ / مناسک گذر): مویه یا نوازش، گاگریوه، سرگریه، بستگی به محیط جغرافیایی و زبان و فرهنگ محیطی دارد، شروهخوانی، سرو (مرثیه یا داغی برای مرگ جوان، خراسانی)

در روی آسمون جفت ستاره جوونی کوشته بی بیست و دو ساله
گلویش واکنن زخمیش ببندن جگرها خون شده دل پاره پاره
(شکوزاده، ۱۳۶۳)

۵- ادبیات عاشقانه

الف : عاشقانه‌های ملی: با محتوای عشق به میهن یا دلبستگی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی
به کهسار وطن، چشموئم افتاد دوباره آتشی بر جوئم افتاد
فراق دوریت دارم به سینه یکایک رخنه بر زندوئم افتاد (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۶۴)
ب :عاشقانه‌های مذهبی: با مضمون یا پیرنگ عشق به پیامبر اکرم(ص) و ائمه مانند ترانه‌های تبری و کتولی و
امیری در مازندران، شروه‌ها در جنوب کشور و بایاتیها در آذربایجان و...
به قرآنی که خطش بیشماره به آقایی که تیغش ذوالفقاره
سر از بالین عشقت برن دارم که تا دین محمد برقراره (طاهریا ، ۱۳۴۴)
پ : عاشقانه‌های شخصی و فردی: مشتمل بر ترانه‌ها یا منظومه‌هایی با مضامینی چون عشق به معشوق، بیان درد
فراق و اشتیاق دلدادگان به یکدیگر، بیان مهر بیدریغ به اعضای خانواده (همسر، پدر و مادر و برادر و خواهر و فرزند)
و...منظومه‌های رعنا و نجما ، امیر و گوهر (عاشقانه شیرازی)
ول بالا بلند ریزدندون من از عشق تو افتادم به زندون
اگر گیسم بُرن مالَم بوسوزن نمی‌دارم بومونی توی زندون
(همایونی، ۱۳۸۸)

ت: عاشقانه محلی و منطقه‌بی:

عاشقانه (تبری گرجمحله)
نازنین از عشق مُردَم ناز تا کی میکنی هم خود عاشق میکشی و تکیه بر وی میکنی
ناقه لیلی به سرعت میبری ای ساربان گر بدانی حالِ مجنون ناقه را پی میکنی
(راوی ، اسحاقی گرجی)

۶- ادبیات حماسی و پهلوانی

الف: ملی و میهنی: روایات عامه از سرگذشت اساطیر و پهلوانان ملی(داستان زال و رستم و سهراب و اسفندیار و..
به روایت عامه مردم/ "فردوسی نامه انجوی شیرازی" و..
-شاهنامه‌های سروده شده به زبانها و گویشهای بومی غیرفارسی (شاهنامه کردی، لری، طبری و...)
-اشعار و ترانه‌های عامه برای قهرمانان ملی معاصر همچون جهان‌پهلوان تختی، جهان‌پهلوان حسن یزدانی و..
(ترانه مردمی برای جهان پهلوان غلامرضاتختی ، تهرانی)
باید که توی زندگی، به مرد باشیم تو میدون / این راه و رسم تختیه، آی بچه‌های ایرون
پیرو راه مرداییین، شاگرد پهلووناییین / خوبه که یادتون باشه، معلمهای فرداییین
یه تختی بود یه ایرون، خاطرخواهاش فراوون / کارش رضای مردم، به دادشون رسیدن
بجای مُهر و امضا، حرقشو میخردن
روزی و روزگاری، در حین کارزاری / فهمید که یک دستِ حریف شکسته
مردونه با شهامت ، گفت نیست این عدالت / نبرد نابرابر، نیست کارِ ما برادر

تموم دنیا دیدن، کشتی گرفت یه دستی / اون نیست اما اسمش، موند تو دیار هستی
یه تختی بود یه دنیا، دلش به قدر دریا / تو قصه‌ها نوشتن، حقیقت نه رویا
اسمش چه رونقی داد، به اسم پهلوان‌ها / دنبال راه و رسمش، راه افتادن جوون‌ها...

(ترانه سرا راوی ، مسعود فردمنش)

ب: محلی و منطقه‌یی: منظومه‌های بومی و دیگر انواع بومیسروده‌ها برای بیان دلاوریهای قهرمانان و مبارزان محلی و منطقه‌یی مانند کوراوغلو، رئیسعلی دلواری، شیرعلیمردان خان بختیاری، ججوخان، نصروجان، ذبیح پهلوان، هژبر سلطان سوادکوهی و...

(منظومه در ستایش میرزا کوچکخان جنگلی ، گیلانی)

چقدر جنگل خوسی چقدر در جنگل میخوابی
ملت واسی، خسته نو بستی به خاطر ملت وخسته نمی‌شوی
تره گومای میرزا کوچک خانای با تو هستم میرزا کوچک خان

می جان جانای جان وجانان منی

تره گومای سردار گیلانی به تو میگویم سردار گیلانی

خودا دنه ، از ترس دشمن خدا میداند ، از ترس دشمن

از ترس دشمن ، نتانم خوفتن از ترس دشمن ، نمیتوانم بخوابم

تره گومای میرزا کوچکخانای به تو میگویم میرزا کوچکخان

می جان جانای ای جان و جانان من (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۷۶)

پ : زورخانه‌یی: اشعار حماسی و پهلوانی (از شاهنامه و..)

- اشعار و ترانه‌های اخلاقی و عرفانی از شاعران ملی و محلی

- ترانه‌ها و کلام موزون مربوط به فنون کشتی و توصیف ورزشها و ادوات ورزشی

- منظومه‌های خاص زورخانه مانند گل کشتی و دیگر منظومه‌ها و ترانه‌های مربوط به این نهاد مدنی

(مثال : بحر طویل در اثبات پیدایش "سَرَدَم" زورخانه)

چند بیهوده زنی لاف سخن در بر من / دم مزنی ای بیهوده‌گو زین سخنان، ورنه چنان سخت بگیرم سر راهت که
برآری تو زدل آه و فغان / افکنمت در هیجان / میکنم این لحظه بیان / تا که شوی واقف از آن / هم زخفا هم ز
عیان / تا تو شوی آگه و واضح کنمت دایره فقر و فنا را / صاحب فقر بُود سید سالار / که باشد شه ابرار / علی حیدر
کرآر / که بیمثل و نظیر است و خدیو است و امیر است / بُود پادشه کون و مکان / آنکه بود شش جهت و نُه فلک و
هم سَمَک و چرخ مطبق به ید قدرت او / حال شدی واقف از آن مخزن گنجینه اسرار خدا / نور هُدا / شاه ولا.
گوش کن تا بدهم شرح برایت که بدانی ز چه بر پادشه این سَرَدَم و کی باعث آن گشته / ببندم ز برای تو دگر
بنده ره چون و چرا را / دو برادر شده از روز ازل باعث این سَرَدَم و برپا بنمودند چنین حرفه درویشی و به نام /
یکی زان دو خلیل و دیگری بود جلیل / این دو برادر شده بودند همی مخترع سَرَدَم و ترتیب بدادند چهار و سه و
ده سلسله را / تا همه خیل دراویش به استادی آن‌ها بنمایند دگر احسن و تشویق / چنین سالک باجود و سخا را
.

(صدیق ایمانی ، ۱۳۶۲)

۷- ادبیات طنز و تَهْکُم

الف : طنز: طنز اجتماعی و انتقادی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و خانوادگی، دینی و مذهبی، تلخ و سیاه با محتوای یأس و ناامیدی و ظلم، آموزشی و...

طنز سیاسی و اقتصادی گرانی نان

نون چارکی سه عباسی / پنیر سیری دو عباسی / آدم مفلس رو چو من وا میداره به رقاصی

شب که میرم توی خونه / اکبری به به میکنه / نونش میدم / میخوره آه آه میکنه

از یک طرف عیال من / چون سگه لَه لَه میکنه

میگه تا کی سر بکنم / چادر نماز کرباسی / روغن سیری چار عباسی / قند سیری سه عباسی

آدم مفلس رو چومن / وا میداره به رقاصی ... (پناهی، ۱۳۷۶)

ب : هجو: هجو اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، رکیک و مبتذل، دینی و مذهبی، پروندهٔ محرمانه فولکلور

دهن داره چو گاله / دماغ داره نواله / چشمه داره نخوچی / ابرو نداره هیچی (هدایت، ۱۳۷۸)

هفت نفر آینه بدست فاطمه کچل سرشو میبست

(انجوی شیرازی، ۱۳۷۱)

پ : هزل: اخلاقی، اجتماعی، رکیک و بیپرده، سبکسرانه و بیهدف

قدت را چوب چوپان میتوان گفت لبت را بیل دهقان میتوان گفت

از آن حسن جمالی که تو داری تو را غول بیابان میتوان گفت

(طاهریا، ۱۳۴۴)

ت: لطیفه سیاسی: کودکانه، شخصیتی مثل ملانصرالدین، قومی و منطقه‌ای، مؤذبانه و عمومی

۸- ادبیات تعلیمی

الف : آوسنه‌های منظوم (آسونک) آسنی سه خواهر مازندران

إما بیمی سه خواهر.....ما سه خواهر بودیم

آم سر دییه سه چادر.....سه چادر بر سرمان بود

آنده بوردمی تا آملآنقدر رفتیم تا شهر آمل

آمل اوو بند داشته.....رودخانهٔ آمل بند (سد) داشت

زیور گلوبند داشتهزیور خانم گردبند داشت

زیور لینگ شلوار.....شلواری که زیور به پا داشت

بالا پایین قلمکار.....از بالا و پایین قلمکاری شده بود

دکتهٔ باغ نِفار.....زیور از آلاچیق باغ به پایین افتاد

ها سگ سگ و ها کیش کیش.....های سگ و های کیش!

گ...ز بوره علیخان ریش.....گ...ز برود به ریش علیخان

علیخان دوش فییهروی شانهٔ علیخان فییه (پارو) بود

لک لک کرده در شیییهتکان تکان میخورد و میرفت

همه گیتنه وه کیه همه میگفتند این کیه
 زیور گتیه م شییه زیور میگفت شوهرم هست
 حمام سر کاله در زمین بایری که کنار حمامه
 حاجی حسین سواره حاجی حسین سوار اسبه
 حاجی حسین ته گره حاجی حسین فدات بشم
 کلوم کلی ره هاده کلید طویله را بده
 عمه سلیمه در انه عمه سلیمه دارد میاید
 بلند گیسسه در انه گیسو بلند دارد میاید . (راوی ، سید جلال سلطانی)
 ب : متلهای منظوم:

متل ملیچه (گنجشک) اشی مشی (برو
 ملیچه اشی مشی گنجشک اشی مشی
 لوی بوم ما منشی لب بوم ما نشین
 بارو میایه تر می شی باران میاید خیس میشوی
 برف میا گنله (گلوله) می شی برف میباره مثل گلوله میشی
 مفتی (میافتی) در حوض نقاشی در حوض نقاشی میفتی
 در میای مشی فراشباشی از حوض در میایی و فراشباشی میشی
 مگوی ننه من آش مِخوام مگوی ننه من آش میخوام
 آتش و مقاش مِخوام آتش و انبر میخوام
 دختر فراش مِخوام دختر فراش را میخوام
 برو سر حوض طوطیا برو کنار حوض طوطی ها
 سرت بشور و زو بیا سرت را بشور و زود بیا
 (وکیلیان ، ۱۳۷۸)

پ : نصابهای محلی و منطقه‌یی: نصاب مازندرانی
 الا ای آنکه قدرت دلبرا از ماه گردون بر / سهی سروی و مشکین موی و نسرين بوی و سیمین بر
 مفاعیلن مفاعیلن عراقیا / کنون برخیز و برخوان این نوا و زند را از بر
 عمو "عامی" ، هوو "وسنی" ، "پوا" بابا ، "ننه" مادر / تبر "تور" و "فیه" پارو ، سبد "لوله" ، "کیجا" دختر
 "چلیکا" ریزه هیزم ، "پلیکا" کوزه کوچک / "قلم" آن نو نهالی دان که باشد تازه بارآور
 نمیایم بود "نمه" ، نمیگویم بود "نومه" / نمیدانم "ندومه" ، دان و قیماق است هم "شیرسر" ...
 (نجفزاده ، ۱۳۷۵)

ت: لالایها ، ترانههای کودکانه تعلیمی، ادبیات مکتب‌خانه‌یی، ترانه‌های مَهمل کودکانه
 لالایی دامغانی
 لالا لالا گل پسته / بابات بار سفر بسته / خدا پشت و پناهش باد / علی همراه راهش باد
 تو در گهواره لالا کن / منم دور سرت گردم / لالا لالا گل زیره / چرا خوابت نمیگیره ...
 (طاهریا، ۱۳۴۴)

۹- ادبیات حکمی و تمثیلی (امثال، حکمت عامه، چیستانهای منظوم)

الف: مثلها: - مثل سایر (نیوشه) مثل رایج- مثل نیمه رایج، منسوخ

مثل سایر (نیوشه یا مثل شنیده)، مثل رایج

داشته آید بکار / گرچه بود زهرمار (هرچه در نظرت خوار می‌آید نگهدارش)

بد مکن که بد افتی / چه مکن که خود افتی (به دیگران بدی نکن که خودت گرفتار میشوی)

(گلبن، ۱۳۵۰)

ب: حکمت عامه، نشانه شناسی بدن، مذمت دنیا، پیری وضعف، هواشناسی، گاه شماری، طب عامه و..

داستانک حکمت‌آمیز: عروسی بود که مادرشوهر کوری داشت. این عروس هر وقت که نان می‌پخت، مقداری از آن را پنهان میکرد که بعد دزدانه بخورد. مادرشوهر زیرک و باتجربه که به فراست درمی‌یابد تعداد نان روی سفره کم است، این مثل را میگوید:

عجب کار و عجب بار / تَلپ پنج و فتیر چار!

(پنج بار صدای تالابِ برخورد خمیر بر تنور آمده ولی نان چهار تا است) (راوی، رقیه جعفری)

پ: چیستان: - با موضوع پدیده‌های طبیعی و عناصر طبیعت، درختان و گیاهان، خوراک، پوشاک، اشیاء، میوه‌ها - با موضوع مفاهیم انتزاعی و آموزه‌های دینی

این بر کوه، سفید پلو / آن بر کوه، سفید پلو / میون کوه، زرد پلو جواب (تخم‌مرغ)

(انجوی، ۱۳۷۱)

۱۰- آیینها، فالها، بازیهای منظوم، مناسک گذرو سرگرمیها

الف: انواع فالها، جادو و جنبل، دعا

سر راهم دوتا شد وای برمو / که یار از ما جدا شد وای برمو

که یار از ما جدا شد رفت به غربت / به غربت آشنا شد وای برمو ..جواب (بی وفایی یار)

(شکورزاده، ۱۳۶۳)

ب: بازیهای منظوم:

بازیهای نمایشی در مراسم عروسی، آبجی گلبهار، خاله رو رو

بازی اُنگ راه، اُنگ راه (مازندرانی)

انجام این بازی مثل هاچین و واچین است. کودکان به ترتیب کنار هم مینشینند و پاهایشان را دراز میکنند. یک

نفر به عنوان استاد آرام روی پای بچه‌ها میزند و میخواند:

اُنگ راه، اُنگ راه اُنگ راه، اُنگ راه (اسم صوت است)

دَرزَن بَرَن گَنگ راه سوزن بزن به مردی که اسمش گَنگ است

گَنگ مرد چوونه گَنگ مردی جوانی است

جوونه، حاجی یونه یک جوانی که حاجی است

حاجی پرفته اردو حاجی رفته اردو

اردو کناره بَرُو در یک گوشه‌ی اردو زدند

شاه نقاره بَرُو نقاره زن شاه هم نقاره زد

شاه خانم تَبَرزین شاه خانم که تبرزین دارد

انگشتر ره بلرزین انگشترت را بلرزان

کَت کَته ، کَتِلَه کَته..... کتل و تنه درشت درختان

کَتِلَه به پشت ، جمله کَته..... کتل یا تنه درشت درختان بر پشت

جمله به پشت..... همه بر پشت

تَلی تَمِش..... خارهای تمشک / لینگه بکش..... پا تو عقب بکش

با گفتن آخرین جمله، دستش روی هر پایي که قرار گرفت باید جمع شود. جمع شدن پای هر شخص امتیازی

برای اوست. صاحب آخرین پایي که جمع نشد بازنده است و بقیه بازیکنان برای خنده و تفریح کف پای بازنده را

قلقلک میدهند. (یوسفی، ۱۳۸۰)

پ: انواع سفره‌ها: سفره ابوالفضل ، سفره ام‌البینین، سفره رقیه خاتون، سمنو پزان، انواع آش نذری ، دیگچه حضرت

زهره (س)

دعای سفره

الهی این سفره معمور باد همیشه ، پر از نعمت و نور باد

که چشم بد اندیش و چشم حسود از این سفره و صاحبش دور باد

خدا زبنده مومن شود بسی خشنود علی‌الخصوص از آنکس که این طعام را داد

(میرنیا، ۱۳۶۹)

ت: مناسک گذر: تولد ، عروسی ، مرگ ، چاووشی‌خوانی ، سحرخوانی ، آیینهای بادخواهی، باران خواهی ، خرمنکوبی

، مراسم دخیل بستن و گرگشایی، آیین قالیشویی مشهد اردهال

سحرخوانی

یارب به محمد و علی و زهرا یارب به حسین و حسن و آل‌عبا

هست خلق یا علی اعلا از لطف برآر حاجتم در دو سرا

حرمت مولا امیرالمؤمنین آنکه شد مقتول قوم ملحدین

حرمت زهرا و سبطین بتول توبه ما را در این دم کن قبول ...

یارب به حق مصطفی آن شافع روز جـــــزا

حق علی شاه نجف آن صدر ایوان شرف

عمرم به عصیان شد تلف استغفرالله العظیم (صادقی ، ۱۳۸۰)

ت : سرگرمیها ، ماشین نوشته ، یادگار نوشته ، مناظره،

ماشین نوشته : ای که بر مرکب تازنده سواری هشدار که دگر مرکبی از پشت سرت می‌آید

(شکورزاده، ۱۳۶۳)

در پایان این مقاله، به جهت رعایت اختصار، تنها به نقل کامل یکی از سرفصلهای اصلی طبقه‌بندی ادبیات منظوم

عامه ایران بر مبنای موضوع آثار بسنده میکنیم.

۱۱- ادبیات توصیفی (ادبیات وصفی)

نوع ادبی وصف در ادبیات رسمی و عامه

در طبقه‌بندی موضوعی و محتوایی انواع شعر فارسی، گونه ادبی وصف را به لحاظ گستردگی کمی و کیفی آن میتوان بزرگترین گونه از گونه‌های ادبی دانست. وصف، علاوه بر انواع سه‌گانه ستایش (شامل حمد و نعت و مدح) سطوح و جلوه‌های دیگری هم دارد. از آن جمله است؛ "غزل" یا تغزل که وصف معشوق و گفتگو با اوست. وصف باده و بزم نوشخواران که در ادب فارسی "خمریه" نامیده میشود. وصف روز و شب که در اصطلاح پیشینیان "نهاریه" و "لیلیه" خوانده میشود. وصف فصول سال که به ترتیب وصف بهار "ربیعیه"، وصف تابستان "صیفیه"، وصف پاییز "خریفیه" و وصف زمستان "شتاییه" نام داشت. به همین قیاس، وصف خود شاعر که "مفاخره" نامیده میشود و وصف ایام و حالات مربوط به زندان که آن را "حبسیه" میخوانده‌اند.

از میان این عناوین فرعی برآمده از گونه کلان وصف، برخی از آنها به جهت اهمیت و تمایز ویژه‌ای که دارند، تفکیک شده و به طور مستقل یکی از انواع شاخص شعر فارسی شمرده شده‌اند. از این جمله است گونه ادبی ستایش که گاه به اجمال و بنا به قاعده ذکر جزء و اراده کل "مدح" خوانده میشود. گونه ادبی "غزل" که تمامی آثار عاشقانه و تغزلی را در بر میگیرد. همچنین گونه ادبی "فخر" یا "مفاخره" که به خودستایی‌های شاعرانه اطلاق میشود نیز به طور جداگانه یکی از انواع شعر فارسی شمرده شده است. بر این اساس، وقتی سخنوران کلاسیک فارسی، به انواع ده‌گانه شعر اشاره میکنند، مدح و غزل و فخر را نیز در شمار انواع ادبی جا میدهند.

آنجا که خاقانی در قصیده انتقادی خود در نقد محتوایی شعر عنصری میگوید:

به معشوق نیکو و ممدوح نیک غزل گو شد و مدح‌خوان عنصری
جز از طرز مدح و طراز غزل نکردی ز طبع امتحان عنصری...

(خاقانی، ۱۳۶۸، بیت ۴ و ۳)

تا آنجا پیش میرود که کلیات دیوان اشعار سخنور نامداری چون عنصری را از نظر نوع ادبی به یک گونه یعنی "مدیح" منحصر میکند و این محدودیت را در برابر گستردگی محتوایی شعر خود قرار میدهد که بر حکمت و اندرز و مفاخره و تغزل و انواع وصف و دیگر ابواب شعر اشتمال دارد:

"ز ده شیوه کان حیلست شاعریست به یک شیوه شد داستان عنصری..." (همان، ۱۳۶۸، بیت ۸)

در ادبیات منظوم عامه نیز، گونه ادبی "وصف" یا توصیف، جایگاه ویژه و درخور توجهی دارد. در این بخش از ادبیات عامه مناطق مختلف ایران، علاوه بر آنچه در شعر رسمی فارسی ذیل شعر توصیفی طبقه‌بندی میشود، با انواع جزئیتری از وصف منظوم نیز رو برو میشویم. وصف طبیعت و عناصر گوناگون طبیعی، وصف حالات مختلف انسانی و وصف اشیا و حیوانات یا انواع مشاغل و ابزارهای کار از این جمله‌اند.

در این پژوهش، کوشیده‌ایم تا با توجه به رویکردهای محتوایی نمونه‌های گردآوری شده ادبیات وصفی عامه، همانند با ادبیات رسمی فارسی، سرفصلهای عمده‌ای چون ستایش و تغزل را تفکیک کرده و به جهت گستره و اهمیت آنها، آثار مربوط به هر یک از این رویکردها را ذیل عناوین خاص خودشان طبقه‌بندی کنیم. دیگر انواع وصف را نیز ذیل عنوان کلی ادبیات توصیفی گنجانده و طبقه‌بندی کرده‌ایم.

بر پایه آنچه به اشارت گفته شد، علاوه بر آن دسته از آثار ادب عامه که ذیل عناوین شاخصی همچون ستایش (مشمول بر حمد و نعت و مدح) و ادبیات عاشقانه یا تغزلی قرار میگیرند، دیگر آثار مربوط به ادبیات منظوم توصیفی عامه را میتوان در سه عنوان فرعی محتوایی طبقه‌بندی کرد:

الف: وصف عناصر طبیعی:

وصف فصول، آسمان و زمین، کوه و دشت و دریا، رنگینکمان، حوادث طبیعی (زلزله، سیل، خشک‌سالی، قحطی و...)

ب: وصف حالات و موقعیتهای انسانها:

ترانه‌های غربت یا غریبیه‌ها، ادبیات زندان (حبسیه)، ترانه‌های سربازی، جنگ، سفر و ...

پ: وصف حیوانات اهلی و اشیا:

توصیف مرکب (اسب، قاطر و الاغ)، ترانه‌های شبانی در وصف گله و حیوانات اهلی (گوسفند، گاو، خروس، کبوتر) وصف اشیا مانند تفنگ، چرخ نخریسی و ...

الف: وصف عناصر طبیعی

به مناسبت تغییر فصول و خصوصیات آن، مردم مناطق مختلف ایران، برای هریک از فصول ترانه‌ها و اشعارى دلنشین و غالباً حکمت‌آمیزی می‌خوانند. علاوه بر ترانه‌هایی که مضمون آنها در وصف بهار، تابستان، پاییز و زمستان است، ترانه‌های دیگری نیز وجود دارد که به مناسبت‌های جزیبیت‌ر نسبت به این قاعده کلی (البته باز هم در تناسب با فصول) خوانده می‌شود. از این جمله‌اند: گاه‌شماری فصلها (بهار و تابستان و پاییز و زمستان)، مراسم و آیینهای مخصوص فصلها (نوروزخوانی، شب چله یا یلدا، چهارشنبه سوری، سیزده بدر، سده، تیرگان، مهرگان و...) وصف طبیعت و کائنات (وصف آسمان و زمین، کوه و دشت و رود و چشمه و دریا، وصف گلها و گیاهان، وصف کسوف و خسوف، قوس قزح، زلزله، وصف نجوم و کواکب بویژه ماه و ستاره و ستاره دنباله‌دار و ستاره صبح، وصف شب و روز، شبگیر و خروسخوان، نیمروز و شامگاه، و...) و سرانجام وصف وضعیت‌های گوناگون هوا بر اساس هواشناسی عامه.

نمونه‌هایی از ادبیات منظوم عامه در وصف کائنات و طبیعت: (وصف بهار)

بیا بیا ای بهار / خوشی سعادت بیا / آب بکن برف کوه / به باغها ده شکوه

سیل شود جویبار / غله بیايد به بار / درخت پر گل شود / به نغمه بلبل شود (میرنیا، ۱۳۷۸)

ترانه برای تمام فصول (گیلانی)

بهاره لاله زاره من نمیرم تابستان فصل کاره من نمیرم

پاییزه کشت بکودم من نمیرم (پاییز زمین را کشت می‌کنم) / زمستان بد (بشود)، محاله من نمیرم

(خودزکو، ۱۳۸۱)

ترانه برای شب چله - (نهادنی)

اول چار، چاره / هم عید و هم باهاره / می‌خواستیم بریم به کاغه / نه برنج داری نه روغه

اول چله و زمسن / دکنی صنار بسن / ایما دی‌یر نمی‌یاییم / هر دی‌یر بیایه...

اول چار چار است / هم عید و هم بهار است / می‌خواستیم بریم به کاغه / نه برنج داری نه روغن / اول چله زمستان

است / دکان دار صد دینار بگیر / ما می‌رویم دیگر بر نمی‌آییم / هرکس دیگر بیاید پدرش سگ سیاه است.

(میرنیا، ۱۳۷۸)

سیزده بدر

سیزده بدر / چارده به تو / به حق مرغ قدقدو / سال دگر، خونه شوور، بچه بغل (هنری، ۱۳۷۷)

ترانه ی آذری در وصف گل

داغ دوشنده، ساریگل.....در دامنه کوه گل زرد است
 یاری غنچه، یاریگل.....نیمی از آن غنچه و نصفش گل
 آچما یایدین، باریگل.....کاش باز نمیشدی ای گل
 درده دوا، ساریگل.....گل زرد، درمان درد است
 (میرنیا، ۱۳۷۸)

وصف درخت

درخت پسته بودم در بیابان چرا آبم ندادی ماه تابان
 تو که آبم ندادی سبز گشتم به امید خدا و برف و باران
 (طاهریا، ۱۳۴۴)

وصف باغ ترانه درگزی برگردان به فارسی
 درگز باغی باغی باغچه سی.....در باغها و باغچه‌های درگز
 آچیلوپ گولی غنچه سی.....غنچه‌های گل باز شده
 قیزلری گوللر ایچنده.....دختران در میان گلها
 اوینا دار بلبل چهچه سی.....با چهچه بلبل می‌رقصند
 (راوی، حسن غلامی)

وصف علف صحرا

علف صحرا ره شینم بهیته.....شینم روی علف صحرا را پوشانده
 جان خدا مه شانس ره کم بهیته.....خدا هم به من شانس و اقبالی نداد
 الهی بواشم علف صحرا.....الهی من به علف صحرا تبدیل شوم
 گو وگوسفن مه سر هاکنن چراگاو و گوسفند روی من بچرند. (راوی، ام البنین خوالگر)

وصف شهر، هیچ کجا تهرون نمیشه

جون من غصه نخور هیچ کجا تهرون نمیشه
 هرچی شهر اصفهون لوطی و مشتت داره
 در عالیقایو میگن صوت عموم منعکسه
 هی نگین دخترامون خوشگل و ماه تابونن
 کور خوندی که میگی مردمونش وفادارن
 گرز رستم گرو دروازه تهرون ماهاست
 (احمدی، ۱۳۸۰)

ترانه کسوف

در سال ۱۲۹۹ کسوف بزرگ و بینظیری اتفاق افتاد. این آفتاب‌گرفتگی آنقدر شدید بود که نزدیک ظهر، ستارگان در آسمان پیدا شدند. مردم کوچه و بازار این ترانه را ساختند:
 خورشیدا دیدی! واخ/ واخ/ نترسیدی! واخ/ واخ/ عالم سیا شد! واخ/ واخ/ کوکب پیدا شد! واخ/ واخ (احمد پناهی
 سمنانی، ۱۳۷۶)

وصف باد بهاری (کله‌باد) به لهجه لکی

کله باد در اصطلاح مردم لک زبان به بادی موسمی گفته میشود که در بهمن و اسفندماه وزیدن میگیرد. این باد پیامآور بهار و باران و هزیمت زمستان و یخبندان است. کله‌باد، خرمنهای برف را میپراکند و قندیل‌های یخ را بر زمین میریزد.

برگردان به فارسی

کله‌باد خیزان، کله‌باد خیزان.....کله‌باد وزیدن آغاز نمود
 درونان دنگ کله‌باد خیزان.....از درها صدای کله‌باد برخاست
 زنجیره زرباف یخ بنان ریزان.....زنجیره‌های زرین یخ با آمدن کله‌باد از هم گسیختند
 زمهریر ژه زور و بازوس گریزان.....سرمای زمهریر در برابر قدرتش تاب نیاورد
 دم وه قلّه سر کاوان شانا.....کله‌باد نفسی بر ستیغ کوهساران میافشاند
 نامه بشارت شابه‌بار وانا.....بشارت نامه شاه‌بهار را می‌آورد
 برفان ژه قلّه قاف ور کنه وه.....برف‌های ستیغ کوه قاف را از جای برکند
 علف دانه درّ وه گردنه وه.....برگردن علف شب‌نمی مرواریدگون آویخت
 هنی گلخیزان هر یک وه رنگی.....هنگامه نمایان شدن گل‌های رنگارنگ است
 ملا ملاوان هریک وه دنگی.....هریک با نغمه‌ای مخصوص بخود سرود شادی سر میدهند
 هم هی رن آهو رمانن.....باز صدای بگیر بگیر رمدهندگان آهوان و شکارچیان به گوش میرسد
 هنی ساز و سویر تاف و چمانن.....آن هنگام صدای جشن عروسی و آبخار و چمن به گوش میرسد .
 (راوی و شاعر، ایرج رحمان‌پور)

ب: وصف حالات و موقعیتهای انسانها:

وصف زیبایی همسر

سفید سفید صد ثمن / سرخ و سفید سیصد ثمن / حالا که رسی به سبزه / هرچی بگی میارزه
 دهن داره چو غنچه / دماغ داره قلمچه / چشم‌ها داره بادومچه / ابرو داره کمونچه (هدایت، ۱۳۷۸)

وصف پسر

پسر پسر لاری پسر / خوشه مرواری پسر / حوض طلاکاری پسر / دکون عطاری پسر (انجوی، ۱۳۷۶)
 ترانه‌های غربت:

در میان ترانه‌های عامه، غریب‌ها جایگاهی ویژه دارند. تقریباً همه اهالی این سرزمین در گویش‌های متفاوت خود ترانه‌هایی با مضمون غربت و دلتنگی‌های حاصل از آن دارند. این ترانه‌ها همچون دیگر نمونه‌های ادبیات منظوم عامه، بسیار صمیمی و اثرگذارند.

ترانه غریبی (خراسانی)

بیابو در بیابو دشت گندم / غریب افتاده‌یم در شهر مردم
 غریب افتاده‌یم هیشکی ندارم / جفای خود کشم یا جور مردم (شکورزاده، ۱۳۶۳)

ترانه غریبی (مازندرانی)

غریبی نشوئین، غریبی زاره / غریبی شوئنه، دل پلاره
 نماشون که بیه افتاب شماره / غریبه مثل زینب داغداره

برگردان به فارسی: به غریبی نروید. غریبی مایهٔ اندوه است / کسانی که به غریبی میروند، قربان دلشان بروم غریب
هر روز آفتاب را می‌شمارد / غریب مثل حضرت زینب (س) داغدار است.
(نجف زاده، ۱۳۷۵)

فراق یار (خراسانی)
شتر میناله از سنگینی بار
مو مینالم که دور افتادم از یار
همه لوکا (شتر نر) دو صد من بار داره
موی مسکین فراق یار داره
(میهن‌دوست، ۱۳۸۰)

ت: وصف حیوانات و اشیا:

مردم روستا در ارتباط خود با محیط اطراف، چنان صمیمیت که حتی حیوانات (به‌خصوص حیوانات اهلی و خانگی
مانند اسب، گاو، گوسفند، سگ، گربه، مرغ و خروس) و اشیای اطراف خود را نیز مورد خطاب و گفتگو قرار می‌دهند.
ترانه‌هایی که در خطاب به حیوانات اهلی خوانده می‌شود سرشار از حرکت و حیات و صفا و پاکیزگیست. نمونه‌های زیر
گویای این معنی است:

ترانهٔ دامغانی برای پرند
کبوتر بچه بودم مادرم مُرد مرا به دایه دادن، دایه‌ام مُرد
مرا با شیر گو آمخته کردن ز بخت شور من گوساله هم مُرد
(همایونی، ۱۳۴۴)

مثال: ترانهٔ مازندرانی در وصف اسب:

کَهر یابو تره تیمار کنم من خَسِیل از بَهر تِه اُخار کنم من
اگر دونم مرا تا یار رسانی کپل پوش تره گلدار کنم من
ای اسب کهر تیمارت می‌کنم / برایت علف تازه (قسیل) تهیه می‌کنم /
اگر بدانم مرا به یار میرسانی / پشت اندازت را گلدار می‌کنم (نجف زاده، ۱۳۷۵)
ترانهٔ لاهیجانی (وصف خروس شکست‌خورده)
ای وای طله تا ، بیچاره طله تا.....ای وای خروس من ، خروس بیچارهٔ من
پس پس بروتی تا به در لانه طله تا.....تو از ترس پس پس تا در لانه‌ات گریختی
در وقت خورش دُر خونی و دانهٔ گوهر.....به هنگام خوردن دُر و گوهر (بهترین دانه) را برمیچینی
در وقت جدل رو به اتاق آنی طله تا.....وقت جنگیدن، خروس من، پشت می‌کنی و به سوی اتاق می‌آیی
جای تو شده انگه فک و چشمه و لانه.....بدین سبب است که جای تو زیر فاکون و پهلوی تخم‌هایی که زیر
مرغ گذاشته‌اند و کنار لانه شده است
نانی به صف جنگ تو مردانه طله تا.....مردانه به صف جنگ نمی‌آیی خروس من
صدبار ته ره بوتم بزن آهسته کریکو.....صدبار به تو گفتم که آهسته آواز بخوان
ناگه شپتک انه به تی لانه طله تا.....بترس از این که گربه وحشی به لانه‌ات بیاید خروس من
(خودزکو، ۱۳۸۱)

وصف اشیا:

وصف تفنگ (ترانهٔ لری)

این ترانه در فرهنگ لری جایگاهی ویژه دارد و بیانگر عشق و وابستگی قوم لر به تفنگ است، چرا که آن را نماد قدرت، دفاع و هویت خود میدانند. تفنگ در واقع همدم و رفیق جنگاوران لر در برابر دشمنان است.

تِفَنگ حیفه که آهو بکشی آهو قشنگه / تِفَنگ حیفه ، بکشی کوکِ کوهی رنگارنگه
تِفَنگ بِزِه وَه او دُزدِ فراری / تِفَنگ جا گله کت سینه پلنگه
تِفَنگ دردت وَه جونم، تِفَنگ بی تو نمونم
تِفَنگ تا تو را دارم غمی نارم به پرارم / تونی یار و رفیق روزم و شوهای تارم
تِفَنگ بردنه یارم، کس و کارم بگو حلام...

ای تفنگ حیف است تو آهوپی را بکشی، تفنگ حیفه که کبکهای رنگارنگ کوهی را بکشی / تفنگ را باید برای دزدها بکار برد نه موجودات بیگناه / تفنگ جاش در سینه پلنگ است / تفنگ درد و بلات به جانم / تفنگ بدون تو نمی‌مانم / تفنگ تا تو را دارم، غمی ندارم برای برادرم / تو یار و دوست و همراه منی در روز روشن و شبهای تارم / تفنگ یارم را بردند، کس و کارم را بگو حلام کنند.

(راوی و خواننده، رضا سقایی)

وصف سماور (مازندرانی)

امسال پَمِیه ره بَرِیم اِمبار / اِمسال رسم ذکِته نفتی سِموار
نفتی سِموار ره جوش بیارم جوش / دلبر غش بکارده هوش بیارم هوش
امسال محصول پنبه‌ام را انبار میکنم / امسال در محل ما سماور نفتی رایج شده‌است / آب سماور نفتی را بجوش می‌آورم / دلبرم بیهوش شده ، او را بیهوش می‌آورم. (راوی، زهرا پراری)

نتیجه‌گیری

در این مقاله، کوشش شده‌است تا با انجام پژوهشی دقیق و سزاوار، عمده‌ترین سرفصلهای موضوعی و محتوایی ادبیات منظوم عامه ایران به عنوان یکی از عناصر و ارکان اصلی فرهنگ عامه ما، معرفی و برای نخستین بار بر اساس شیوه و روشی جامع و فراگیر و کارآمد طبقه‌بندی شود. این طبقه‌بندی روشن می‌سازد نه تنها ادبیات منظوم عامه خاصه ترانه‌ها و تصنیف‌ها، به طور کل و به شکل خاص، سند هویت، گواه موفقیتها، شادیاها، محرومیت‌ها و رنج تاریخی مردم مناطق مختلف ایران است بلکه موجب غنای مطالعات ادبی و فرهنگی نیز میشود. از این رو، طبقه‌بندی علمی و روشمند عناصر و مواد ادب عامه، راه را برای حفظ، بازآفرینی و معرفی این میراث ارجمند به نسلهای آینده باز میکند. این گروه از آثار ادبی و فرهنگی دارای ارزش تاریخی، فرهنگی، اخلاقی، آموزشی، زیباشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ویژه است و دسته‌بندی موضوعی آن، بستر مناسبی را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌های مردم‌شناسی، تاریخ و زبان‌شناسی ایجاد میکند. همچنین این تحقیق زمینه پژوهشهای تطبیقی میان عناصر فرهنگی و ادبی جوامع مختلف و چگونگی کارکرد آنها از جهت تداوم و تحول سنتها را فراهم میکند. این پژوهش نشان میدهد که در ترانه‌های عامه از منظر محتوایی، واقعیات زندگی، عواطف انسانی مانند عشق، نفرت و عناصر طبیعی و اعتقادی تجلی بیشتری دارد. از لحاظ بلاغی و ادبی نیز، آرایه‌های تکرار، اغراق و تشبیه بسامد بیشتری دارد. در نهایت با توجه به مناسبات و امکانات ارتباطی روزافزون در جهان جدید، ما فرزندان ایران عزیز که وارثان فرهنگ و مدنیتی چندین هزار ساله‌ایم، باید مانند دیگر ملت‌ها به شکلی شایسته این بخش از ذخایر و مواریث فرهنگی و معنوی خود را شناسایی، طبقه‌بندی و معرفی کنیم و تا فرصت

باقی است با همت و تدبیر و تلاش و پرهیز از غفلت و سهل‌انگاری، راه را بر دریغ و افسوس‌های بی‌نتیجه‌ی بعدی ببندیم.

جدول بسامد نمونه اشعار در طبقه‌بندی موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران											
اسامی طبقات											
تعداد طبقات	توصیفی	آیین‌ها و سرگرمی‌ها	حکمی و تمثیلی	تعلیمی	طنز و تهنیت	حماسی و پهلوانی	عاشقانه	توبه‌گ سروده‌ها	توبه سروده‌ها	کارآوا و اصناف	ستایش و نیایش
۱۱	۱۹	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۲	۴
مجموعه اشعار ۵۸											

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله‌ی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با عنوان «طبقه‌بندی موضوعی ادبیات منظوم عامه ایران» استخراج شده‌است. خانم دکتر فاطمه محسنی گردکوهی راهنمایی این رساله را عهده‌دار بوده و خانم دکتر فاطمه حیدری به عنوان مشاور، پژوهشگر را ارشاد کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان برخود لازم می‌دانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه ادبیات و زبان فارسی، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی کرج که زمینه‌ساز شکلگیری این پژوهش بودند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه‌ی داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده‌ی نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aryanpour, Yahya, (1976), from saba to nima, vol 1, ,frist edition, Tehran, franklin publishing
- Ahmadi. Morteza, (2001), khonehay hamishe no, vol 1, ,frist edition, Tehran, qoqnoos pablishing
- Ahmad panahi semnani, mohammad, (1990), Taranehay zendegi, vol 1, first edition, Tehran, tabesh publishing
-, (1997), Iranian folksongs, vol 1,first edition, Tehran ,soroush publishing
- Enjave shirazi, Abolghasem , (1992), gozari va nazari dar farhang amme, vol 1 ,first edition, Tehran,esparak publishing
- Hanif. Mohammad, (2007) , sour va soug in culture of lorestan, vol 1, ,frist edition, Tehran, qoqnoos publishing
- Jafari ghanavati, mohammad,(2007), introduction to folklore of iran, vol 7, ,frist edition, Tehran, farayen publishing
- Khaghani Shervani ,Afzallodin, (1989), the divan of Khaghani shervani ,afzallodin, corrected by ziya al din sajjadi, vol 3, ,first edition, Tehran, zavvar publishing
- Kodzeco , alexander, (2002) , local songs of the in habitants of the southern coasts the Caspian sea, vol 1,first edition, Tehran, soroush publishing
- Sakoorzade,Ebrahim,(1984) , crorasans it coutumes de la province , vol 2,first edition, Tehran, soroush publishing
- Taheriya, mohammad ali , (1963), songs of folklore Damghan , vol 1, first edition Damghan, amozesh va parvaresh publishing
- Katiraaee , mahmood, (1998) , az khesht ta khesht, vol 1, first edition, Tehran, institute for social studies and research publishing
- Ghirshman , r, (1991), iran of from the earliest time to the Islamic conquest, translated by mohammad , moein, vol 8, first edition, Tehran, science and culture pablishing
- Mohseni, Manoocher. (1999), published by the secretariat of the public culture council of iran1
- , vol 1, first edition, Tehran , published by the secretariat of the supreme council culture affrairs of the country
- Mirniya, seyed ali, (1998), people culture folklore of iran, vol 2,first edition, Tehran ,parsa publishing
- Mihandoost, mohsen, (2000) geneal research on folk culture. , vol 1, first edition, Tehran ,toos publishing
- Najafzade , mohammad bagher. (1995),melodys mazandarani, vol 1 , first edition, Tehran ,hoze honari publishing
- Vakiliyan, seyid ahmad, (1998), Iranian proverbs and legends, , vol 1, first edition,, Tehran, soroush publishing
- Hedayat , sadegh, (1998) , folk culture people iran , vol 1, first edition, Tehran, cheshme publishing

Sadegh, homayuni, (2009) , songs of wohmas in culture people iran , , vol 1, frist edition, Tehran ,toos publishing

Honari , morteza, (1997) , noroozgan, , vol 1, first edition,, Tehran , serva publishing

Faride, yusofi, (2000) , culture and customs of sanadkuh, , vol 2, first edition, babolsar, nima publishing

Journal article

Seddigh emani, mostafa, a brief overview of iraninan zurkhaneh sport, journal of anthropogical essays

collection, volume one, issue page 45-77

Khosravani ,niloofar and nodehi , kobra, (2020) , the extensive reflection, and diversity of the social imag in the divan of qodsi mashhadi , bahar-e adab jurnal of stylistics, vol 14, , issue page 66 ,

pages23-40

Introduction of the narrators معرفی راویان

Eshaghi gorji, Mohamad reza, 78 years old, honorary doctorate in folklore, musician from easternmazandaran, gorji mahalleh

Ashrafiyan , esmaell,50 years old , deplom, employee , sari city

Berary, Zahra, 56 years old, liteate, farmer , village pambejar koti, sari city

ROGHAYE,85 years old, village firouzkande kiyasar city

Khavalgar, omalbanin, 50 years old, deplom, housewife, village firouzkande, sari city

Rahmanpour,Iraj , 69 years old , poet, songwriter, resident of kohdasht, lorestan

Saghayi, reza, born in 1318, death1389, singer, lorestan, khoramabad

Soltani, seyed jalal, 80 years old, liteate,farmer, village konta , kiyasar

Gholami, hasan,45 years old, liteate, deplom, employee , darhgaz city

Fardmanesh, Masoud, 76 years old, liteate, deplom, poet, songwriter,Tehran city

Kovaytipour, Gholam Ali, 67 years old, liteate, deplom, singer, khorramshar city

فهرست منابع فارسی

آرین پور، یحیی، (۱۳۵۵)، /ز صبا تا نیما، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر فرانکلین، ص ۱۲۵
احمدی، مرتضی، (۱۳۸۰)، کهنه های همیشه نو، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس، صص ۴۳، ۵۳، ۱۰۲
احمد پناهی سمنانی، محمد، (۱۳۶۹)، ترانه های زندگی، چاپ اول، تهران، نشر تابش، صص ۴۱، ۲۳۳
.....، (۱۳۷۶)، ترانه و ترانه سرایی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر سروش، صص
۲۴۵، ۳۶۶، ۳۴۱، ۳۵۸

انجوی شیرازی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، چاپ اول، تهران، نشر اسپرک، ص ۲۴۶

حنیف، محمد، (۱۳۸۶)، سور و سوگ در فرهنگ لرستان، چاپ اول، تهران، نشر هزاره ققنوس، ص ۱۱۶

جعفری قنواتی، محمد، (۱۴۰۳)، درآمدی بر فولکلور ایران، چاپ هفتم، تهران، نشر فراین، ص ۲۴۸

- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، (۱۳۶۸)، دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیال‌الدین سجادی، چاپ سوم، تهران، نشر زوّار، ص ۹۴۲
- خُذز کو، الک‌ساندر، (۱۳۸۱)، *ترانه‌های محلی ساکنان کرانه‌های جنوب دریای خزر*، چاپ اول، تهران، نشر سروش، صص ۸۶، ۱۰۲
- شکورزاده، ابراهیم، (۱۳۶۳)، *عقاید و رسوم مردم خراسان*، چاپ دوم، تهران، نشر سروش، صص ۱۸۵، ۵۰۸، ۵۱۰
- طاهریا، محمد علی، (۱۳۴۴)، *ترانه‌ها و فولکلورهای دامغان*، چاپ اول، دامغان، نشر آموزش و پرورش دامغان، صص ۴۱، ۴۵، ۵۹، ۵۴، ۷۰
- کتیرایی، محمود، (۱۳۴۸)، *از خشت تا خشت*، چاپ اول، تهران، نشر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ص ۲۹۲
- گیر شمن، . . ر.، (۱۳۷۰)، *ایران از آغاز تا / سلام*، مترجم محمد معین، چاپ هشتم، تهران، نشر علمی فرهنگ، ص ۱۷
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ص ۱۶
- میرنیا، سیدعلی، (۱۳۷۸)، *فرهنگ مردم فولکلور ایران*، چاپ دوم، تهران، نشر پارسا، صص ۴۶۶، ۴۳۷، ۱۷۰
- میهن‌دوست، محسن، (۱۳۸۰)، *پژوهش عمومی فرهنگ عامه*، چاپ اول، تهران، انتشارات توس، ۱۰۵
- نجف زاده، محمدباقر، (۱۳۷۵)، *نغمه‌های مازندرانی*، چاپ اول، تهران، نشر حوزه هنری صص ۷۷، ۸۲، ۱۴۰
- وکیلان، سید احمد، (۱۳۷۸)، *مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی*، چاپ اول، تهران، نشر سروش، ص ۲۹۳
- هدایت، صادق، (۱۳۷۸)، *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، چاپ اول، تهران، نشر چشمه، صص ۳۰۲، ۴۵، ۱۹۲
- همایونی، صادق، (۱۳۸۹)، *زنان و سروده‌هایشان در گستره فرهنگ مردم ایران زمین*، چاپ اول، تهران، نشر توس، صص ۴۶، ۲۵۱
- هنری، مرتضی، (۱۳۷۷)، *نوروزگان*، چاپ اول، تهران، نشر سروا، ص ۲۲۶
- یوسفی، فریده، (۱۳۸۰)، *فرهنگ و آداب و رسوم سوادکوه*، چاپ دوم، بابل‌سر، نشر نیما، ص ۱۶۴

مقاله‌ها

- صدیق ایمانی، مصطفی، (۱۳۶۲)، *نگاهی مختصر بر ورزش زورخانه‌ای ایران*، مجله مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر اول، شماره صص ۷۷-۴۵
- خسروانی، نیلوفر نوهدی کبری، (۱۴۰۰)، *انعکاس گسترده و تنوع سیمای جامعه در دیوان قدسی مشهدی*، نشریه علمی سبک‌شناسی بهار ادب، دوره ۱۴، شماره ۶۶، صص ۴۰-۲۳
- معرفی راویان
- اسحاقی گرچی، محمدرضا، ۷۸ سال، با سواد، دکترای افتخاری هنر فولکلور، خنیاگر موسیقی شرق مازندران، گرچی محله
- اشرفیان، اسماعیل، ۵۰، با سواد، دیپلم، کارمند، شهر ساری
- پراری، زهرا، ۵۶ ساله، با سواد ابتدایی، کشاورز و دارای کارگاه بلوک زنی، روستای پمبه‌جاریتی، توابع فرح آباد ساری

جعفری ، رقیه ، ۸۵ ساله ، بی‌سواد ، خانه‌دار ، شهر کیاسر
خوالگر ، ام‌البنین ، ۵۰ ساله ، باسواد دیپلم ، خانه‌دار ، روستای فیروزکنده ، توابع ساری
رحمان‌پور ، ایرج ، ۶۹ ساله ، شاعر ، ترانه‌سراموسیقی‌دان ، ساکن کوه‌دشت لرستان
سقایی ، رضا ، ۱۳۱۸ ، خواننده ، درگذشت ۱۳۸۹ ، لرستان ، خرم‌آباد
سلطانی ، سید جلال ، ۸۰ ساله ، باسواد ابتدایی ، شغل کشاورز و نمدمال ، ساکن روستای گنتا ، کیاسر
غلامی ، حسن ، ۴۵ ساله ، باسواد فوق دیپلم ، کارمند ، شهر دره‌گز
فردمنش ، مسعود ، ۷۶ ساله ، باسواد دیپلم ، ترانه‌سرا و شاعر ، شهر تهران
کویتی‌پور ، غلامعلی ، ۶۷ ساله ، باسواد دیپلم ، مداح و خواننده ، ساکن خرمشهر

معرفی نویسندگان

مخدره رجبی‌کیا: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: M.rajabikia2717@iau.ir)

(ORCID: 0009-0008-1014-7483)

فاطمه محسنی گردکوهی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: 0321513843@iau.ir (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0003-3434-9123)

فاطمه حیدری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: fateme.heydari10@kia.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-7522-2797)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mokhadderh Rajabikia: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: M.rajabikia2717@iau.ir)

(ORCID: 0009-0008-1014-7483)

Fatemeh Mohseni Gardkahi: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: 0321513843@iau.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-3434-9123)

Fatemeh Heydari: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: fateme.heydari10@kia.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-7522-2797)